

## دگرگونی و تداوم در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه: رانه‌ها، دستاوردها و چالش‌ها<sup>۱</sup>

الهه کولایی\*

پیمان کاویانی فر\*\*

عفیقه عابدی\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۳۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۰/۲۲

### چکیده

پایداری مجموعه‌ای از عوامل در سال‌های بعد از فروپاشی، زمینه‌ی شکل‌گیری اصول بنیادین و چارچوب رفتاری روسیه در خاورمیانه شد. با توجه به نقش فزاینده‌ی روسیه در خاورمیانه و فرصت‌ها و تهدیدهای آن، هدف این پژوهش مفصل‌بندی متغیرهای شکل‌دهنده به سیاست خاورمیانه‌ای روسیه و شناسایی الگوی بنیادین رفتاری روسیه در منطقه است. در این نوشتار تلاش شده نمای فراگیری از متغیرهای تداوم‌بخش یا تحول‌آفرین در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه شود؛ بنابراین پرسش بنیادین این است که «عوامل و رانه‌های تحول یا تداوم در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه چیست؟» فرضیه‌ی نویسندگان این است که تحول و تداوم سیاست خاورمیانه‌ای روسیه، برآیند تحول در نگرش حاکم بر کرملین، مسائل سیاسی-امنیتی-اقتصادی «خارج نزدیک» و چگونگی موازنه‌سازی ژئوپلیتیک روسیه در برابر غرب است. با واکاوای این رانه‌ها در سه سطح یادشده، می‌توان به اصول پایدار و شکل‌بندی عمومی رفتار سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه دست یافت. نتیجه این‌که نوع سیاست‌ورزی روسی در منطقه، دستاوردها و چالش‌های مشخصی را برای این کشور به ارمغان آورده است. اصول سیاست‌ورزی روس‌ها الگویی برای اصلاحات سیاست خارجی از آرمان‌گرا به واقع‌گرا است؛ امری که ضرورت درک آن را در همسایگی کشور ما نشان می‌دهد. پایان‌بخش این نوشتار، بررسی دستاوردها و چالش‌های روسیه در پیشبرد اهداف خاورمیانه‌ای آن است. روش پژوهش نویسندگان توصیفی-تبیینی-تحلیلی است.

**واژگان کلیدی:** خاورمیانه، روسیه، سیاست خارجی، شکل‌بندی رفتار روسیه، خارج

نزدیک.

## Change and Continuity in the Russian Mideast Policy: Motivations, Achievements and Challenges

Koolae, Elaheh \*  
Kaviani Far, Peyman\*\*  
Abedi, Afifeh\*\*\*

### Abstract

There is a complex of factors that has been the source of shaping Russia's principles and behavioral patterns in the Middle East. With regards to Russia's increasing role in this region and its opportunities and threats, this paper seeks to articulate variables and basic elements of Russia's foreign policy in the Middle East. Their main question is what are the factors and the motivations of Russian Mideast policy? Their proposition is that changes and developments in Russian Mideast policy is making Russian perceptions of political and economic issues in the "Near Abroad" and the way of creating geopolitical balanced equilibrium in its relationship with the West changed. The authors try to examine these motivations in Russian Mideast policy to show the principal rules and general formation of its Mideast policy. The result is that the kind of its policy making has created specific implication for I.R. of Iran. These principles have changed from idealistic to realist ones. The methodology of this research is descriptive – analytical.

**Key words:** Middle East, Russia, Foreign Policy, Russian FP Behavioral Formation.

\* Full Professor  
of Regional  
Studies at Tehran  
University,  
Tehran, Iran.

\*\* MA in  
Regional Studies  
at Tehran  
University,  
Tehran, Iran.

\*\*\* MA in  
International  
Relations at  
Islamic Azad  
University,  
Tehran.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

در دهه نود، پس از شکست تجربه‌ی غرب‌گرایی در روسیه، خاورمیانه بار دیگر اهمیت خود را در روابط خارجی این کشور بازیافت. همکاری روسیه با متحدان سنتی دوره‌ی اتحاد شوروی مانند مصر، لیبی، عراق، سوریه، یمن و نیز بازیگران غیردولتی مانند ساف و حماس ظرفیت‌های قابل توجهی برای فعال کردن سیاست خاورمیانه‌ای این کشور بود. از نگاه مسکو، این کشور باید در قامت یک قدرت بزرگ با رویکرد سازنده به رسمیت شناخته شده و نقش مهمی را در مناسبات منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی بر عهده گیرد. به قدرت رسیدن پریماکف (۱۹۹۶) در دستگاه دیپلماسی روسیه، سرآغاز تحولی در سیاست خاورمیانه‌ای این کشور شد که در چهار دوره ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین گسترش بیشتر و بنیان استوارتری یافت.

بررسی اسناد رسمی روسیه نشان می‌دهد که مواضع این کشور در چالش‌های اصلی خاورمیانه، ابعادی مشخص و روشن دارد. روسیه در سندهای مفهوم سیاست خارجی به روشنی موضع خود را در مورد تأسیس کشور فلسطین، سرنوشت اسرائیل، سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌ها، غیراتمی‌سازی منطقه، مسئله‌ی هسته‌ای ایران اعلام کرده است (the Foreign Policy Concept of the Russian Federation, 2013). در سند سیاست خارجی ۲۰۱۶ روسیه، تعامل با شورای همکاری خلیج [فارس] گفت‌وگوی راهبردی توصیف شده است (the Foreign Policy Concept of the Russian Federation, 2016). چنین توصیفی برای ایران معنای روشنی دارد، زیرا نشان می‌دهد که روسیه علاقمند است در تأمین امنیت انرژی و حمل‌ونقل خلیج فارس نیز نقش داشته باشد و با کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس برای رسیدن به چارچوب مشارکت و همکاری گفتگوهای راهبردی داشته باشد؛ بنابراین مسئله‌ی این نوشتار درک رانه‌های گسترش فعالیت‌های روسیه در منطقه است که از ضرورت‌های اصلی نظام تصمیم‌سازی کشور ما، درک فرصت‌ها و تهدیدهای رویکردهای روسیه در خاورمیانه است.

ده سال پیش، روسیه در خاورمیانه پیگیر «مشارکت فعال» با اولویت «احیا و تقویت موقعیت این کشور به‌ویژه از نظر اقتصادی در این منطقه‌ی غنی» بود (the Foreign Policy Concept of the Russian Federation, 2008). بعد از ده سال، در سال ۲۰۱۸ می‌توان دید در ابعاد نظامی و سیاسی این هدف تأمین شده است. رسیدن روسیه به جایگاه کنونی با چالش‌های بسیار همراه بوده است. مسکو باید از ظرفیت‌های به نسبت محدود خود به‌گونه‌ای بهره ببرد که بتواند جایگاه پیشین را بازیابد؛ اما پرسش بنیادین این است که رانه‌های تداوم یا دگرگونی

سیاست خاورمیانه‌ای روسیه چیست؟ پاسخ این پرسش، جوابی به این پرسش مهم‌تر است که رفتار روسیه در خاورمیانه بر چه اصول و سازوکاری بنا شده است؟ در این نوشتار برای ارائه‌ی تصویر کلان سیاست خاورمیانه‌ای روسیه، ریشه‌های تداوم و تغییر در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی می‌شود. در سطح داخلی، چارچوب‌های گفتمانی مسلط، تجربه‌های سیاست‌گذاری و تلاش برای بازسازی غرور ملی، سه پویای داخلی این دگرگونی‌ها را شکل داده‌اند. در سطح منطقه‌ای، تأمین امنیت خارج نزدیک، بهبود جایگاه روسیه در جهان اسلام و تأمین منافع اقتصادی به این تحولات شکل می‌دهد. در سطح بین‌المللی نیز حفظ توازن قدرت منطقه‌ای و گسترش دامنه‌ی رقابت‌های ژئوپلیتیک مؤلفه‌های اصلی این دگرگونی‌ها هستند. در ادامه چگونگی اثرگذاری این مؤلفه‌ها بر سیاست خاورمیانه‌ای روسیه بررسی خواهد شد.

### ۱. پیشینه‌ی پژوهش

آثار بسیاری به ابعاد و سطح‌های سیاست خاورمیانه‌ای روسیه پرداخته‌اند که می‌توان آن‌ها را در دو دسته‌ی سیاست منطقه‌ای روسیه و نیز سیاست خارجی در سطح روابط دوجانبه بررسی کرد. در دسته‌ی نخست، کتاب «روسیه، آمریکا و جهان اسلام» اثر مایک باوکر به روابط روسیه و آمریکا در دوره‌ی پس از فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد می‌پردازد؛ اما این روابط را در زمینه‌ی جغرافیایی و تمدنی جهان اسلام ارزیابی می‌کند. مقاله‌ی «سیاست خارجی پریماکف در روسیه و خاورمیانه»<sup>۱</sup> اثر رادمن و فریدمن تلاش کرده سیاست خارجی روسیه در دوره‌ی پریماکف را با روش توصیفی و تحلیلی بررسی کند. مارک کاتز در مقاله‌ی «روسیه و رژیم‌های ضدغرب در خاورمیانه»<sup>۲</sup> چگونگی نفوذ مسکو و سیاست‌های آن در برابر نظام‌های ضدغرب در خاورمیانه از جمله ایران را توصیف و بررسی می‌کند. «روسیه در خاورمیانه: عرصه‌ای برای تقویت نفوذ»<sup>۳</sup> مقاله‌ای از ماگن است که با تشریح و تحلیل تحولات خاورمیانه، چرایی حضور روسیه را در این تحولات توضیح می‌دهد. در مقاله‌ی «خط‌مشی‌های جدید سیاست خارجی در روسیه: تداوم تکامل یافته»<sup>۴</sup> از اندرو

1 Mike Bowker. (2007). *Russia, America and the Islamic World*, Hampshire: Ashgate  
 2 Rodman P & Freedman, R., *Primakov's Foreign Policy: Russia and the Middle East*, The Washington Institute for Near East Policy, Policy 184.  
 3 Katz, M. (2011). *Russia and Anti-Western Regimes in the Middle East*, Amsterdam Law Forum, Vol. 3, No. 4, pp.102-104  
 4 Magen, Z. (2014). *Russia in the Middle East: The Drive to Enhance Influence*, Institute for National Security Studies (INSS), Tel Aviv  
 5 Monaghan A. (2013). *The New Russian Foreign Policy Concept: Evolving Continuity*, Chatham House

مونگان، به تغییرهای شایان توجهی که در بینش و نگرش روسیه، به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۸ به وجود آمده، اشاره شده است. این سند به بحران مالی و اقتصادی جهانی و بی‌ثباتی در خاورمیانه و شمال آفریقا نگاهی دارد.

در دسته‌ی دوم ادبیات موجود نیز *ماریا املیچوا* در مقاله‌ی «سیاست خارجی روسیه در برابر ایران: چشم‌انداز بحرانی ژئوپلیتیک»<sup>۱</sup> و *کروپنف* در مقاله‌ی «سیاست روسیه در مورد ایران و حزب‌الله»<sup>۲</sup>، *ماکسیم ای. سوچکف* در مقاله‌ی «روسیه به خواست کردها برای استقلال چگونه می‌نگرد؟»<sup>۳</sup>، به بخش‌هایی از سیاست خاورمیانه‌ای روسیه پرداخته‌اند. جهانگیر کرمی در کتاب «تحولات سیاست خارجی روسیه؛ هویت دولت و مسئله‌ی غرب»<sup>۴</sup> با توجه به روند شکل‌گیری سیاست خارجی روسیه‌ی جدید و دگرگونی در هویت دولت آن، تحولات رفتارهای خارجی آن در برابر غرب را بررسی کرده است. الهه کولایی نیز در کتاب‌ها و مقاله‌هایی، سیاست خاورمیانه‌ای روسیه را بررسی کرده است. مسئله‌ی اصلی بسیاری از این آثار، ابعاد هویتی، هستی‌شناسی و بیشتر مرور روند تاریخی سیاست خاورمیانه‌ای روسیه است. بخشی از ادبیات پژوهش نیز سیاست خاورمیانه‌ای روسیه را از دیدگاه روابط دوجانبه با کشورهای منطقه بررسی کرده‌اند؛ بنابراین منابع موجود، سیاست خاورمیانه‌ای روسیه را بیشتر از نگاه مؤلفه‌های داخلی این کشور بررسی کرده‌اند و به سطح‌های منطقه‌ای و بین‌المللی این سیاست کمتر پرداخته شده است. در این نوشتار، علاوه بر مسائل تاریخی، به تحلیل گفتمان و هستی‌شناسی این سیاست نیز پرداخته شده و با کنکاش در سطح‌های بالاتر، ریشه‌ها و رانه‌های شکل‌گیری این سیاست در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز واکاوی شده تا بتوان سیاست خاورمیانه‌ای روسیه را در الگویی جامعی بررسی و خطوط اصلی آن را مشخص کرد؛ بنابراین نوآوری نویسندگان نسبت به آثار دیگر، تمرکز بر سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دگرگونی در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه است.

1 Maria O. Melicheva. (2012). Russia's Foreign Policy Toward Iran: A Critical Geopolitics Perspective, *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, Vol. 14, No.3, September, pp. 331-344

2 Kroupenev, A. (2008). Russia's Policy vis-à-vis Iran and Hezbollah, *International Institute for Counter-Terrorism, Interdisciplinary Center (IDC), Herzliya*

3 Maxim A. Suchkov. (2016). How Russia Sees the Kurdish Quest for Autonomy, *Almonitor*. 7 May

4 جهانگیر کرمی. (۱۳۸۴). تحولات سیاست خارجی روسیه؛ هویت دولت و مسئله‌ی غرب، تهران: وزارت امور خارجه.

## ۲. واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی روسیه

به نظر نگارندگان، چارچوب نظری مناسب برای تحلیل سیاست خارجی روسیه، پارادایم واقع‌گرایی و به‌ویژه واقع‌گرایی نوکلاسیک است (Koolae and Azizi, 2016, 43). نسخه‌ی اولیه‌ی واقع‌گرایی نوکلاسیک را باید تاریخ جنگ‌های پلویونزی توسعه‌یافته دانست که روایت‌هایش بر اساس گزاره‌ای نظری است که علت واقعی این جنگ، رشد قدرت آتنی‌ها است که سبب الهام اسپارت می‌شود. سپس توضیح داده می‌شود که چگونه انگیزه‌های سامان‌یافته از راه متغیرهای سطح واحد به سیاست‌های خارجی دولت‌شهرهای مختلف یونان منتقل می‌شود (Rose, 1998:153-154). واقع‌گرایی نوکلاسیک در انتقاد از تقلیل‌گرایی نواقع‌گرایی ارائه شد. این نظریه با تأکید بیشتر بر سطح واحد، به واقع‌گرایی کلاسیک نزدیک‌تر است و واقع‌گرایی نوکلاسیک خوانده می‌شود. از نگاه واقع‌گرایان نوکلاسیک، «قدرت مادی» شاخص‌های سیاست خارجی یک کشور را تشکیل می‌دهد. فرض واقع‌گرایی نوکلاسیک مانند دیگر شاخه‌های واقع‌گرایی، کشمکش پایدار عامل‌های قدرت، امنیت در جهان و بی‌اطمینانی فراگیر است. در واقع‌گرایی نوکلاسیک، رویکرد تهاجمی یک کشور، از سیاست خارجی و عامل‌های نسبی قدرت یک کشور ریشه می‌گیرد. با این وجود، تأثیر قابلیت‌های قدرت بر سیاست خارجی غیرمستقیم و پیچیده است (Taliaferro, Lobell, Ripsman, 2016:5). توسعه‌یافته‌ها بر این باورند که «مؤلفه‌های درونی قدرت» تعیین می‌کند کشورها چه می‌توانند انجام دهند؛ اما رنج آن‌ها تعیین می‌کند که آن‌ها چه «باید» بکنند (Rose, 1998:148). واقع‌گرایی نوکلاسیک مدعی است هر نوع عامل داخلی که سیاست خارجی را شکل می‌دهد به عناصر قدرت مربوط است که آن‌ها هم در ارتباط با نظام بین‌الملل است.

واقع‌گرایان نوکلاسیک به جای این فرضیه که دولت‌ها در جست‌وجوی امنیت هستند، این فرض را در نظر دارند که دولت‌ها به دلیل بی‌اطمینانی ناشی از آشوب بین‌المللی، در پی کنترل و شکل دادن به محیط بین‌المللی خود هستند؛ بنابراین دولت‌ها بدون در نظر گرفتن بسیاری از روش‌هایی که ممکن است منافع آن‌ها را تعریف کند، به دنبال افزایش نفوذ و گسترش توان عملیاتی خود هستند. پیش‌بینی اصلی آن‌ها این است که در بلندمدت میان منابع قدرت مادی دولت با رویکرد تهاجمی سیاست خارجی آن رابطه برقرار خواهد شد (Rose, 1998:152).

شاخص‌های واقع‌گرایی نوکلاسیک در شکل صفحه بعد مشخص شده است:

شکل ۱. مؤلفه‌های عملیاتی واقع‌گرایی نوکلاسیک



### ۳. عوامل موثر در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در سطح داخلی

#### ۳-۱. رویکردهای سیاست‌گذاری: گفت‌وگوهای مسقط در دستگاه تصمیم‌گیری

چارچوب‌های ذهنی سیاست خارجی روسیه سه دسته‌اند: لیبرال‌ها یا غرب‌گرایان، دولت‌گرایان یا ملی‌گرایان عمل‌گرا و تمدن‌گرایان یا ملی‌گرایان بنیادگرا. سابقه غرب‌گرایی در سیاست خارجی روسیه به دوران امپراتوری تزاری و این باور که پادشاهی روسی یکی از اعضای خانواده پادشاهی‌های اروپا مربوط است (Tsygankov, 2013: 4). به باور آن‌ها مناقشات خارج نزدیک تنها از راه نظامی حل نمی‌شوند، بلکه باید با مذاکره و تلاش‌های چندجانبه در چارچوب سازمان‌هایی مانند سازمان ملل و سازمان امنیت و همکاری اروپا حل شوند. در دیدگاه آن‌ها روسیه دولتی طبیعی است که هیچ مأموریت کلان و فراگیری ندارد (Jackson, 2003: 6-7). دسته‌ی دوم یعنی دولت‌گرایان، مانند غرب‌گرایان از رابطه با غرب حمایت می‌کنند، اما آن را در تعامل با راهبردهای دیگر قرار می‌دهند. به باور این گروه روسیه در معرض تهدیدهای گسترده است و باید با حفظ ظرفیت‌های یک قدرت بزرگ، پاسخگوی تهدیدها در سراسر جهان باشد. این گروه خواستار دخالت مقتدرانه در قلمرو پیشین



شوروی هستند. آن‌ها بر این باورند که منافع امنیتی روسیه با اولویت‌های ژئوپلیتیکی، باید با استفاده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی دنبال شود. ملی‌گراهای عمل‌گرا دیدگاهی به نسبت محافظه‌کارانه در مورد نتیجه بخش بودن راه‌حل‌ها و تلاش‌های چندجانبه دارند. این رویکرد به عنوان سیاست رسمی حکومت روسیه باقی مانده است. رویکرد سوم یا تمدن‌گرایی نیز همواره یکی از رویکردهای روسیه با تأکید بر تفاوت ارزش‌های روسی با غرب و کوشش برای حفظ آن در قلمرو پیشین روسیه و گسترش آن به خارج بوده است (Tsygankov, 2013: 8).

این دیدگاه‌ها اهمیت زیادی دارند، زیرا نشان می‌دهند چگونه روسیه در مورد سیاست خارجی به یکپارچگی نسبی ادراکی می‌رسد و اولویت‌های خود را سامان می‌دهد. در نخستین سال‌های فروپاشی شوروی که رویکرد غالب اروآتلانتیک‌گرایی و لیبرالیسم بود، به خاورمیانه و حتی خارج نزدیک کم توجه شد. با تغییر پارادایم مسلط در دوران پریماکف و به‌ویژه پوتین، این رویکرد جای خود را به رویکردهای واقع بینانه تر داد. این تحول در سخنان، جهت‌گیری‌ها و اسناد بالادستی روسیه در دوران پوتین به خوبی دیده می‌شود (Haas, 2011: 24)؛ بنابراین رویکرد مسلط بر سیاست خارجی روسیه، نخستین عامل داخلی تغییر در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه است.

### ۲-۳. تجربه‌های سیاست‌گذاری: از اروآتلانتیک‌گرایی تا اوراسیا‌گرایی

با به قدرت رسیدن گورباچف در دهه ۱۹۸۰ و شرایط جدید در روابط شوروی و آمریکا، سیاست روسیه در خاورمیانه نیز دگرگون شد. شوروی در این دوره، برقراری ارتباط با اسرائیل و ایجاد تعادل در روابط با اعراب و اسرائیل را جایگزین حمایت وسیع از اعراب کرد. این روند در دوره‌ی پسا فروپاشی ادامه یافت. سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۹ و زمام‌داری یلتسین را می‌توان سال‌های جستجوی اهداف و تجربه‌های سیاست‌گذاری نامید. در اوایل سال ۱۹۹۲، آندری کوزیرف وزیر امور خارجه‌ی یلتسین اعلام کرد سیاست خارجی روسیه را اصول مردم‌سالاری هدایت خواهد کرد. کوزیرف تأکید کرد مبنای سیاست خارجی جدید، منافع ملی روسیه است و نه مصالح بین‌المللی که زیرساخت سیاست خارجی شوروی به لحاظ نظری و نه عملی بودند. در نخستین سال‌های پسا فروپاشی، سیاست خارجی روسیه تاحدی «غرب‌گرا» و تأییدکننده‌ی مواضع غرب در مناقشات جهانی بود<sup>۱</sup> (Country studies, 2017).

۱ آندری کوزیرف وزیر امور خارجه پیشین روسیه و ایگور گایداز چهره‌های برجسته طرفدار این سیاست امیدوار بودند که در پایان جنگ سرد نقش ناتو تضعیف شود و سازمان امنیت و همکاری اروپا در دوران پس از جنگ سرد در مسیر



ناکامی رویکرد غرب‌گرایی و تحولات سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی زمینه‌ی تقویت رویکرد اوراسیاگرایی<sup>۱</sup> فراهم شد. انتخاب یوگنی پریماکف به‌عنوان وزیر امور خارجه روسیه، نماد درس‌گرفتن از سیاست‌گذاری پیشین و دگرگونی در سیاست خاورمیانه‌ای این کشور بود. با حاکم شدن اوراسیاگراها بر مسکو، روسیه تأمین اهداف خود در خارج نزدیک را، در گرو تحرک خود در خاورمیانه یافت. به‌این‌ترتیب انتخاب پریماکف برای رهبری دستگاه دیپلماسی روسیه، سرآغاز تحول در سیاست خاورمیانه‌ای این کشور شد که با رئیس‌جمهور شدن ولادیمیر پوتین گسترش و ادامه یافت و الگوی باثبات رفتاری این کشور را در منطقه شکل داد.

### ۳-۳. بهبود غرور ملی با گسترش دایره‌ی منافع ملی و ارتقای وجهه‌ی بین‌المللی

پوتین پس از به‌دست‌گرفتن قدرت اعلام کرد قصد بازیابی جایگاه «قدرت جهانی» روسیه را دارد. در سند سیاست خارجی فدراسیون روسیه مصوب ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۰ آمده است: روسیه برای ایجاد نظام چندقطبی در روابط بین‌الملل که به‌طور واقعی بیانگر تنوع در جهان جدید و همراه با منافع بی‌شمار در آن باشد، تلاش خواهد کرد. در این جهان جدید، در نظر گرفتن منافع متقابل، تضمین‌کننده اتکاپذیری این نظم جهانی است. نظم جهان قرن بیست و یکم باید مبتنی بر سازوکارهای حل‌وفصل جمعی مسائل بنیادین و اولویت دادن به قانون و مردم‌سالاری گسترده روابط بین‌الملل باشد (کرمی، ۱۳۸۴: ۲۰۱).

پوتین در فوریه ۲۰۰۷ در کنفرانس امنیتی مونیخ اعلام کرد غرب نباید روسیه‌ی کنونی را مانند روسیه‌ی دهه ۱۹۹۰ فرض کند. غرب باید تقویت نقش و جایگاه این قدرت بالقوه را به‌عنوان یک واقعیت بپذیرد. روسیه با درک اشتیاق مداخله‌گری ایالات متحده پس از جنگ افغانستان، ابتدا به مخالفت سرسختانه با قطعنامه‌های پیشنهادی آن علیه عراق پرداخت. پس از اشغال عراق نیز مخالفت روسیه با سیاست‌های ایالات متحده ادامه یافت. با مطرح شدن مواضع آمریکا علیه برنامه‌های هسته‌ای ایران، روسیه به موضعی مستقل، هرچند محافظه‌کارانه، روی آورد. سیاست‌های بازدارنده‌ی روسیه از این دوره دیده می‌شود. سیاست خاورمیانه‌ای پوتین در دوره دوم ریاست جمهوری او تهاجمی‌تر شد (Freedman, 2015: 9). پوتین در سال ۲۰۰۸ هنگام واگذاری قدرت به مدودیف گفت: روسیه مانند یک قدرت جهانی

۱. یکپارچگی روسیه با غرب، نقش نهاد امنیتی برتر را عهده‌دار شود.

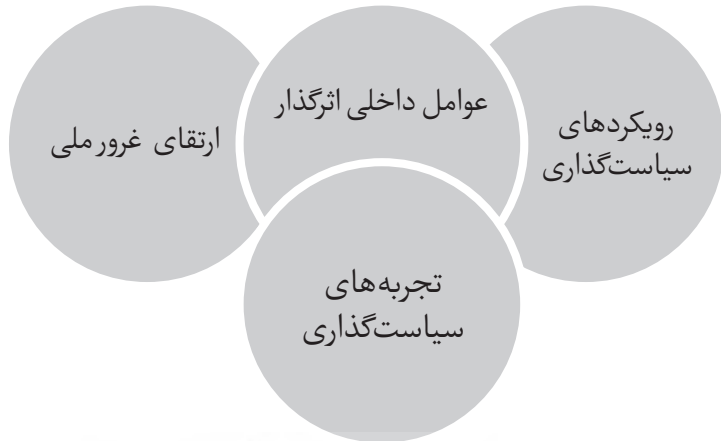
۱ پایه‌ی توجه اوراسیاگرایان را هویت روسی، ژئوپلیتیک روسیه و تمرکز برویژگی‌های اختصاصی این کشور شکل می‌داد که منافع روسیه را از غرب جدا می‌سازد (کولایی و کلبعلی، ۱۳۹۶).

یک موقعیت بین‌المللی رقابتی به دست آورده و می‌تواند دستور کار بین‌المللی تعیین کند. دمیتری مدودیف هم پس از رسیدن به قدرت در روسیه به‌عنوان رئیس‌جمهور در سال ۲۰۰۸، بر توانایی‌های این کشور برای تاثیرگذاشتن بر روابط بین‌الملل و داشتن نقش سازنده در رویارویی با بحران‌های جهانی تأکید کرد. سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه وقت روسیه نیز بر ایجاد امنیت جمعی و تمرکز بر منافع مشترک همه قدرت‌های بزرگ در جهان تأکید کرد. او نقش روسیه را به‌عنوان یک دولت مسئول مطرح کرد (Shakleina, in: Paul, 2016: 272). در موضوع هسته‌ای ایران، روسیه از کشورهایی بود که با اعمال فشارهای بیشتر بر ایران مخالفت می‌کرد. آشکار است که ریشه‌ی این مخالفت، بیش از آنکه از روابط دو کشور ناشی شده باشد، به نگرانی روس‌ها از نقش و جایگاه خود در نظام بین‌الملل بازمی‌گردد. در دوره‌ی مدودیف، ملاحظات حاکم بر روابط روسیه با آمریکا و اسرائیل سبب شد روابط با ایران روندی رو به کاهش داشته باشد (Kozhanov, 2015: 8).<sup>۱</sup>

تمایل به تضعیف مواضع غرب نه‌تنها در خاورمیانه، بلکه در قفقاز و آسیای مرکزی، به‌عنوان یک منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و افزایش قدرت چانه‌زنی روسیه در رویارویی با غرب، بخشی از دلایلی بود که سبب شد روسیه در جریان پرونده‌ی اتمی جمهوری اسلامی، به‌طور کامل با غرب و به‌ویژه آمریکا همراهی نکند، اما هدف روسیه برای تثبیت و ارتقای جایگاه خود در مسائل جهانی نیز رانه‌ای قوی برای پیگیری سیاستی فعال بود. روسیه در بحث‌های دیگری نیز سیاست خارجی فعالی در پیش گرفت که از تحولات کریمه تا هم‌پیمانی میان‌مدت با ایران در سوریه و سرانجام برقراری روابط متوازن با همه طرف‌ها از جمله اسرائیل، از نمودهای آن بود. دستاوردهای بیوتین در حوزه داخلی و خارجی سبب شد آراء او در انتخابات سال ۲۰۱۸، سیزده درصد نسبت به سال ۲۰۱۲ افزایش یابد و به بالای ۷۶ درصد برسد (the Guardian, 2018)؛ بنابراین نیازها و ملاحظه‌های هویتی و ملی نیز مؤلفه‌های اثرگذاری است که بر ماهیت سیاست خارجی روسیه تأثیر داشته است.

۱ روابط روسیه و ایران هیچ‌گاه منحصر به روابط تهران و مسکو نبوده و پیوسته از عنصر خارجی یا بین‌المللی متأثر بوده است (سجادپور، ۱۳۸۷: ۱۷۵-۱۷۴). به دلیل جایگاه بین‌المللی و منطقه‌ای روسیه و ایران، روابط میان دو کشور به‌ویژه در برخی از حوزه‌های مهم مانند همکاری‌های تسلیحاتی و یا همکاری در زمینه فناوری هسته‌ای ابعاد بین‌المللی داشته است (شوری، ۱۳۸۸: ۵۸-۶۲).

شکل ۲. عوامل داخلی تأثیرگذار بر سیاست خاورمیانه‌ای روسیه



#### ۴. عوامل مؤثر در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در سطح منطقه‌ای

پوتین در سخنرانی خود در فوریه ۲۰۰۸ پیش از ترک کاخ ریاست‌جمهوری، هم‌زمان با انتشار سند راهبرد توسعه‌ی روسیه تا ۲۰۲۰، از چشم‌انداز روسیه تا سال ۲۰۲۰ گفت:

- اهمیت قدرت نظامی و استفاده از قدرت در سیاست بین‌المللی افزایش یافته است، در نتیجه نیروهای مسلح روسیه باید برای حفظ ابزارها و هدف‌های تأثیرگذار راهبردی سیاسی و اقتصادی، قدرتمند شوند.

- انرژی به دو دلیل یک موضوع امنیتی مهم است: نخست، ابزار قدرت است، زیرا منابع انرژی وزن بین‌المللی روسیه را افزایش می‌دهند. دوم، یک منبع تهدید است، زیرا بازیگران دیگر که این منابع را ندارند ممکن است از به کار بردن زور برای گرفتن آن از روسیه و دیگران استفاده کنند.

- همکاری با سازمان پیمان امنیت جمعی و سازمان شانگهای، از عناصر مهم سیاست امنیتی روسیه است.

- غرب تهدیدی برای امنیت ملی روسیه است، به‌ویژه ناتو به‌دلیل توسعه‌طلبی تا اوکراین و گرجستان و نیز آمریکا به‌دلیل حضور نظامی در رومانی، بلغارستان و استقرار سیستم دفاع موشکی در لهستان و جمهوری چک (Haas, 2011: 24).

تأثیر همه این موارد که ادراک پوتین را از تحول ساختاری، جایگاه روسیه و نوع واکنش‌های روسیه به ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی نشان می‌دهد، می‌توان در سیاست و رفتارهای

خارجی روسیه در دوره سوم و چهارم ریاست جمهوری او بیشتر مشاهده کرد. ایده‌ی قدرت بزرگ بودن روسیه که در تاریخ این کشور ریشه دارد، با نظریه توازن قوا پیوندی محکم دارد (Makarychev, 2013:245). بر همین اساس، ایده‌ی حوزه‌ی نفوذ برای ثبات بخشیدن به نفوذ روسیه در اوراسیای مرکزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. منظور از سطح منطقه‌ای نیز مجموعه عوامل مؤثر در این سطح است. این عوامل اثری مستقیم بر سیاست خاورمیانه‌ای روسیه دارند. سند مفهوم سیاست خارجی روسیه که در فوریه ۲۰۱۳ از سوی وزارت امور خارجه منتشر شد، نشان می‌دهد در نگرش و رویکرد این کشور، به ویژه پس از سال ۲۰۰۸، تغییری قابل توجه ایجاد شده است. محتوای این سند بیانگر رویکرد فعال بین‌المللی روسیه و تغییر نگاه از غرب به شرق و به منطقه آسیا و اقیانوس آرام است (Monaghan, 2013). در آخرین سند سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۱۶، به تهدیدهای مرزهای جنوبی روسیه و افراط‌گرایی اسلامی اشاره شده است (The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation, 2016)؛ بنابراین در سطح منطقه‌ای، اهمیت خاورمیانه را جایگاه ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک آن، ذخایر نفت آن در سیاست جهانی، منابع مالی قابل توجه و نزدیکی به مرزهای روسیه و کشورهای هم‌سود و سرریز تحولات امنیتی آن بر آسیای مرکزی و قفقاز تعیین می‌کند.

#### ۴-۱. تأمین امنیت روسیه و خارج نزدیک از طریق نقش‌آفرینی در خاورمیانه

امنیت خارج نزدیک، پس از امنیت خاک فدراسیون روسیه نخستین اولویت در همه اسناد سیاست خارجی روسیه است. در میان کشورهای «خارج دور»، جنوب و غرب آسیا از نظر تأثیر مستقیم بر امنیت یا ناامنی خارج نزدیک به ویژه مناطق مسلمان‌نشین اهمیت دارد. بی‌ثباتی در این مناطق تأثیری مستقیم بر قفقاز و آسیای مرکزی دارد؛ بنابراین تلاش برای ثبات در خاورمیانه، از اهداف سیاست خارجی مسکو تعریف شده است (Foreign Policy Concept of the Russian Federation, 1993). برای رهبران روسیه روشن است که مسائل ۲۰ میلیون مسلمان این کشور با روابط روسیه با کشورهای اسلامی ارتباط دارد (هانتز، ۱۳۹۱). در سال‌های پایانی قرن ۲۰، به دلیل نقشی که کشورهای منطقه در رشد و گسترش بنیادگرایی در روسیه داشتند، روابط مسکو با این کشورها تاحدی تعارض‌آمیز بود. با شدت گرفتن بحران چچن روابط مسکو با کشورهای خاورمیانه رو به سردی نهاد؛ اما پس از رخداد ۱۱ سپتامبر و حمله‌های آمریکا به افغانستان و عراق که تنش‌های پردامنه‌ای در روابط واشنگتن و اعراب

ایجاد کرد، روسیه با نشان دادن علاقه‌مندی به رابطه با عربستان سعودی و کشورهای عربی دیگر، سیاست مهار یعنی سیاست رابطه‌ی بدون تنش با کشورهای صادرکننده‌ی افراط‌گرایی مانند عربستان، قطر، امارات متحده را نیز در این مسئله مورد آزمون قرار داد. در پرتو دگرگونی در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه وزن ژئوپلیتیکی ایران به‌گونه‌ای روزافزون بیشتر شد (Комлева, 2016). در نگاه بسیاری از تحلیل‌گران روسیه، ایران با برخورداری از ویژگی‌های برتر ژئوپلیتیکی، در روند تحولات سیاسی- اقتصادی خاورمیانه نقشی تأثیرگذار بر عهده دارد (Тоцкая, 2014, 365-369).

روسیه به‌عنوان یک قدرت جهانی نیز از افراط‌گرایی اسلامی در خاورمیانه تأثیر می‌پذیرد و نگرانی‌اش به دلیل پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم آن برای این کشور است. نتایج مستقیم افزایش افراط‌گرایی در داخل روسیه و خارج نزدیک به افزایش تندروی‌ها منجر می‌شود. آریل کوهن روس‌شناس شناخته‌شده نیز بر این باور است که بسیاری از جوانان مسلمان روسیه بیشتر خود را عضوی از امت جهانی اسلام می‌دانند تا شهروند سرزمین مادری خود روسیه (Cohen, 2007). انتقال تحولات داخلی افغانستان به تاجیکستان هم نشان داد، پویش‌های امنیتی غرب و جنوب آسیا به‌طور مستقیم با پویش‌های داخلی فضای پسا شوروی پیوند دارد؛ بنابراین امنیت روسیه و کشورهای پیرامونی آن در گرو صلح و ثبات در مناطق مسلمان‌نشین، به‌ویژه خاورمیانه است. هرگونه اختلال در امنیت این منطقه گذشته از زیان‌های اقتصادی، این کشور را وارد منازعه‌های خطرناک می‌کند. منافع بلندمدت مسکو در ایجاد روابط اقتصادی و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با کشورهای این منطقه تأمین می‌شوند (Kroupenev, 2008).

مجموعه‌ی این عوامل، رویکرد خاورمیانه‌ای مسکو و الگوی حاکم بر این رویکرد را شکل داده است. شرایط پیچیده‌ی این مناطق در پیوند با مسائل متنوع کشورهای مستقل هم‌سود، ضرورت اجرای سیاستی متوازن را از سوی روسیه نشان می‌دهد. سیاستی که ظرفیت اقدام‌های مختلف و متضاد را داشته باشد. برخلاف زمان جنگ سرد، امروز روسیه معیارهای روشن برای هم‌پیمان شدن با یک دولت ندارد و برای تأمین امنیت مناطق زیر نفوذ خود، تلاش می‌کند اهمیت ویژه‌ای به خاورمیانه بدهد (Melville and Shackleina, 2005: 27-64).

## ۲-۴. بازيايي جاينگاه روسيه در جهان اسلام

از نگاه واقع‌گرایان، در دهه ۹۰، بسیاری از متحدان پیشین شوروی در منطقه و گروه‌های انقلابی در دوران شوروی، چتر حمایتی این اتحادیه را برای رویارویی با تهدیدها برگزیده بودند. پریماکف بر آسیا و قدرت‌های پیرامون روسیه تأکید کرد که به تأمین منافع سنتی روسیه در منطقه و گسترش تأثیرگذاری روسیه در جهان اسلام کمک می‌کند (Феязи, 2010: 265). او بر ضرورت توسعه روابط با کشورهای اسلامی تأکید کرد و تحول در روابط با عراق را به‌طور جدی در دستور کار روسیه قرار داد (کولایی، ۱۳۸۴). تلاش برای تقویت روند صلح در خاورمیانه، همچنان از اولویت‌های او به‌شمار می‌آید. پریماکف بر این باور بود که روسیه باید نقشی هم‌تای آمریکا در روند تحولات خاورمیانه ایفا کند، زیرا توانایی انجام آن را دارد (Mandelbaum, 1998: 183). روندی که با به‌قدرت رسیدن پریماکف در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه آغاز شد، در دوره‌های بعد گسترش یافت؛ تا جایی که روسیه در دوره‌ی سوم پوتین توانست در مسائل خاورمیانه جایگاه برجسته‌تری برای خود بازتعریف کند. از مهم‌ترین نمودهای این جایگاه برجسته، نقشی بود که روسیه در تحولات سوریه بازی کرد. روسیه روابط خود را با همه طرف‌های بحران حفظ کرد و ابتکار عمل را میان مجموعه‌ای از کشورها با منافع و اهداف متضاد در دست گرفت. همچنین برقراری روابط با کردها، نقش‌آفرینی در مسئله هسته‌ای ایران و نقشی که مسکو در مناقشه عربی-اسرائیلی دارد، عناصر دیگری از این سیاست است که با هدف بالا بردن جایگاه و نقش روسیه در خاورمیانه اجرا شده‌اند.

## ۳-۴. تأمین منافع اقتصادی روسیه

خاورمیانه برای روسیه، منبع مهم انرژی‌های طبیعی، مرکزی بزرگ برای ارتباطات بین‌المللی و بازاری پرسود برای کالاها و خدمات آن است. منافع اقتصادی روسیه را می‌توان به سه دسته‌ی تجارت و سرمایه‌گذاری، انرژی و فروش جنگ‌افزار تقسیم کرد:

### ۱-۳-۴. تجارت و سرمایه‌گذاری

ارتقا و حفاظت از منافع اقتصادی روسیه در خاورمیانه یکی از پایدارترین اهداف مسکو در منطقه است. با این حال، بازار خاورمیانه درصد اندکی از صادرات روسیه را تشکیل می‌دهد. کشورهای حوزه خلیج فارس (برخلاف شرکای سنتی مسکو، مصر و سوریه) منابع مالی عظیمی دارند و روسیه مایل به جذب آن‌هاست. روسیه قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک با بحرین، کویت، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی امضا کرده تا سرمایه‌گذاری‌های مشترکی

را در روسیه انجام دهند. به‌طورکلی تعامل اقتصادی روسیه و دولت‌های خاورمیانه روبه افزایش است و در پرتو آن تقویت حضور و اثرگذاری پیگیری می‌شود.

#### ۴-۳-۲. انرژی

روسیه منافع اقتصادی و تجاری قابل توجهی نیز در بخش انرژی خاورمیانه دارد که شامل انرژی هسته‌ای، نفت و گاز است. شرکت‌های دولتی مانند «گازپروم» و «روس اتم»، منافع مهمی - شامل بازارهای مصرف، میدان‌های نفت و گاز و زیرساخت‌های انرژی هسته‌ای - در کشورهایی مانند ایران، عراق و ترکیه و همچنین کردستان عراق و شرق مدیترانه دارند. رویکرد مسکو در برابر کشورهای صادرکننده نفت از جمله عربستان سعودی، با هدف مدیریت بهای جهانی نفت و پیرو آن اثرگذاری بر سیاست جهانی است. روس اتم نیز در سال‌های اخیر فعالیت خود را در خاورمیانه افزایش داده که ساخت راکتور در ایران، مصر، اردن و ترکیه و بازگشایی دفتر منطقه‌ای در دبی برای استفاده از ظرفیت‌های امارات متحده عربی و عربستان سعودی نمونه‌های آن است. تأسیس نیروگاه در کشورهای خاورمیانه و اعتراض غرب نسبت به آن و همچنین مشارکت قوی و مؤثر این کشور در اوپک نشان‌دهنده موفقیت پوتین در پیشبرد اهداف و تأمین منافع ملی روسیه است. در نشست اخیر وزیران اوپک روسیه همکاری بسیار نزدیکی با عربستان داشت تا جایی که بسیاری از تحلیل‌گران داخلی و خارجی از احتمال توافق عربستان و روسیه و فراهم شدن بستر تحریم ایران سخن گفتند (اقتصادنیوز، ۱۳۹۷). در سفر لاوروف به عربستان در سپتامبر ۲۰۱۷ دو کشور همکاری خود برای کنترل بازار انرژی در جهان را مطرح کردند. دستیابی روسیه به منابع ارزی به‌دست‌آمده از فروش منابع انرژی برای اقتصاد روسیه که به آن وابسته است، در این زمینه شایان توجه است (Kozhanov, 2017).

#### ۴-۳-۳. فروش جنگ افزار

روسیه برنامه‌ریزی دقیقی انجام داده که به تأمین‌کننده‌ی بزرگ تسلیحات دولت‌های عرب بدل شود. نگاه راهبردی روس‌ها بر اساس این ایده شکل گرفته که آمریکا با توجه به سیاست ثقل‌زدایی از خاورمیانه و ناتوانی در مدیریت بهار عربی، نسبت به گذشته تاحدی از خاورمیانه عقب‌نشسته است. انقلاب‌های عربی به‌روشنی نشان داد که فعال شدن در منطقه و توسعه‌ی روابط با کشورهای منطقه برای تأمین منافع ملی روسیه ضروری است. این رویدادها، درک سیاست خارجی روسیه نسبت به منطقه خاورمیانه را تغییر داد.



بهار عربي، روسيه را متوجه کرد که روابط با کشورهای منطقه را باید به صورت مستقل و در چارچوب برنامه‌ها و اولویت‌های خود پیگیری کند (حاجی یوسفی و ذوالفقاری، ۱۳۹۶: ۱۸۱-۱۸۲). روسیه در انتقال تسلیحات به دولت‌های خاورمیانه نگرانی‌های سیاسی و ملاحظات امنیتی کمتری نسبت به آمریکا دارد. در نتیجه، از سال ۲۰۱۱ افزایش فروش اسلحه روسیه به کشورهای خاورمیانه افزایش یافته است. دغدغه‌ی پادشاهی‌های خلیج فارس برای بقای نظامشان آن‌ها را به سوی خریدهای سنگین تسلیحاتی برده است. آن‌ها بزرگ‌ترین خریداران اسلحه در جهان و بازاری پرسود برای مسکو هستند که در پی تنوع بخشی به شرکای خود هستند (RAND, 2016).

شکل ۳. عوامل منطقه‌ای تأثیرگذار بر سیاست خاورمیانه‌ای روسیه



### ۵. عوامل مؤثر در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در سطح بین‌المللی

همان‌گونه که در اسناد سیاست خارجی روسیه، اولویت و اهمیت خاورمیانه رتبه چهارم یا پنجم بیان شده است، به‌طور سنتی روابط روسیه با کشورهای اروپایی از اولویت‌های اساسی سیاست خارجی روسیه بوده است. از جمله هدف‌های روسیه در این زمینه برپایی یک نظام امن و پایدار برای امنیت و همکاری در اروپا و مقابله با اقدام‌های رقابتی سنتی است. روابط روسیه و خاورمیانه هیچ‌گاه به روابط پایتخت‌ها منحصر نبوده و پیوسته از عناصر خارجی، منطقه‌ای یا بین‌المللی متأثر بوده است. به دلیل جایگاه بین‌المللی و منطقه‌ای روسیه، اقدام‌های این کشور به‌ویژه در برخی از حوزه‌های مهم مانند همکاری‌های تسلیحاتی و یا همکاری در زمینه فناوری هسته‌ای از ابعاد بین‌المللی برخوردار شده است.

علاوه بر مسائل یادشده، موضوع‌های دیگر مانند چندجانبه‌گرایی و ایجاد نظام چندقطبی که از اصول سیاست خارجی روسیه به‌شمار می‌آیند، سبب تأثیر مسائل بین‌الملل بر روابط روسیه با منطقه شده‌اند. برای نمونه جلوگیری از فشارهای امریکا برای انزوای روسیه، دستیابی به قدرت مانور بیشتر و جلوگیری از گسترش ناتوازم‌ترین موضوع‌های بین‌المللی تأثیرگذار بر روابط مسکو و تهران است. علاوه بر این، موضع مشترک روسیه و ایران در مورد برخورد دوگانه غرب در زمینه حقوق بشر از دیگر مسائل بین‌المللی تأثیرگذار در روابط دوجانبه بوده است (کرمی، ۱۳۸۴: ۱۷۰-۱۷۱). مؤلفه‌های بین‌المللی اثرگذار در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه را می‌توان به دو دسته‌ی حفظ توازن قدرت در منطقه و گسترش دامنه رقابت‌های ژئوپلیتیک تقسیم کرد.

شکل ۴. عوامل بین‌المللی تأثیرگذار بر سیاست خاورمیانه‌ای روسیه



#### ۵-۱. اثرگذاری فرامنطقه‌ای بر توازن منطقه‌ای

از سال ۲۰۱۴ پیدایش بازیگران جدید پس از القاعده، از جمله داعش و جبهه‌النصره در عراق و سوریه و تلاقی چالش این نیروها با برآمدن گروه‌های قومی و تضعیف دولت‌ها، موجب نفوذپذیری بالای دولت‌ها در برابر مداخله‌ی قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای شد (کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۶۶). در نتیجه، بستر، انگیزه و توجیه روسیه برای اقدام‌های بین‌المللی افزایش یافت (کولایی و سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۲۸). با وجود این، بحران سوریه تنها یک فرصت جدید برای گسترش فعالیت‌های مسکو در خاورمیانه بود و اهداف این کشور در سوریه پایان نمی‌یابد. مسکو در پی اثرگذاری بر طیف وسیعی از دستورکارهای خاورمیانه، راهبرد ثبات‌بخشی به توازن منطقه‌ای را دنبال کرده است؛ بنابراین به‌جای گسترش روابط با برخی شریکان به بهای رها کردن برخی دیگر، با کشورهای منطقه همکاری کرده است. همچنین دلسرد شدن کشورهای منطقه از آمریکا و غرب آن‌ها را وادار کرد روابط خارجی خود را با نزدیک شدن به

روسیه متنوع سازند. سوم، روسیه توانایی مناسبی برای همکاری با همه بازیگران اصلی نشان داده و از معدود کشورهایی است که هم‌زمان رابطه مثبتی با تهران، آنکارا، دمشق، ریاض، قاهره و تل‌آویو برقرار کرده است. این رویکرد سبب شده مسکو اثرگذاری قابل توجهی در این منطقه پربحران داشته باشد.

رویکرد «تمرکزگذاری» روسیه بر خاورمیانه از سال ۲۰۱۲، هم‌زمان با طرح «تمرکززدایی» آمریکا از خاورمیانه روی داده است. این سیاست خارجی متعادل و عمل‌گرایی روسیه را در جایگاهی قرار داده که با ثبات‌بخشی به توازن قدرت در منطقه، بر روند شکل‌گیری تحولات و در پی آن بر ابعاد بین‌المللی بحران‌های خاورمیانه، تأثیر گذارد. نمونه‌ی چنین اثرگذاری برنامه‌های انتقال اس ۴۰۰ به شریکان و متحدان آمریکا و حتی اعضای ناتو است که برای غرب اهمیت زیادی دارد. این سلاح راهبردی اثر عمیقی بر چهره امنیتی منطقه دارد و «عامل برهم‌زننده‌ی بازی» توصیف شده است (Kozhanov, 2018). توافقنامه عربستان سعودی و روسیه برای خرید سامانه‌ی اس ۴۰۰، ضربه‌ی قابل توجهی به منافع و برنامه‌های ایالات متحده و متحدان اروپایی آن است. این توافق به دنبال توافق ۲٫۵ میلیارد دلاری ترکیه برای خرید این سامانه و گفت‌وگوی مشابه با مصر است. این سامانه‌ها به طور تخصصی برای رهگیری و انهدام پرنده‌های بسیار مدرن مانند جنگنده‌های اف ۲۲ و اف ۳۵ طراحی و تولید شده‌اند و تجهیز کشورها به آن تحول مهمی است که می‌تواند توازن قدرت و بازدارندگی‌ها را متأثر کند (National Interest, 2017).

شکل ۵. اهداف و انگیزه‌های روسیه از افزایش اثرگذاری فرامنطقه‌ای



## ۵-۲. گسترش دامنه‌ی رقابت‌های ژئوپلیتیک

برخلاف برخی تصویرها در مورد چرخش اساسی در روابط روسیه و آمریکا در دوره‌ی ترامپ، به‌زودی مشخص شد محدودیت‌های ساختاری و مشکلاتی که رهبران دو کشور به‌سادگی قادر به حل‌وفصل آن نیستند، امکان تحول اساسی در روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار داده است (کولایی، ۱۳۹۷: ۱۲). گسترش ناتو به شرق، انقلاب‌های رنگی، حمله به عراق و در سال‌های گذشته بحران اوکراین در راستای محدود کردن فضای مانور روسیه به‌عنوان قدرتی بزرگ در عرصه‌ی جهانی است (ولی‌زاده، شیرازی و عزیزی، ۱۳۹۴: ۱۵۸). بحران سوریه نیز پس از حمله به عراق و سرنگونی حکومت لیبی از سوی آمریکا، ابزاری برای مقابله با نفوذ روسیه در منطقه برآورد شد (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۶: ۲۲). هشت سال پس از آنکه ایالات متحده رژیم صدام حسین در عراق را سرنگون کرد، در موضوع سوریه، روسیه در حمایت از دولت بشار اسد قرار گرفت. روسیه این بار سوریه را خط قرمز خود تعیین کرد (Sladden et al, 2017: 3).

بنابراین سیاست خاورمیانه‌ای روسیه تنها متأثر از مسائل خود خاورمیانه نیست. موضوع‌هایی مانند رقابت‌های ژئوپلیتیک و همچنین تلاش‌های روسیه برای ایفای نقش یک قدرت بزرگ جهانی در این روند تأثیرگذار بوده‌اند (کولایی، ۱۳۹۵: ۱۳۹). کرملین با دولت اوباما در مورد برنامه‌ی هسته‌ای ایران تعامل پرفراز و نشیبی داشت. مسکو تعامل با واشنگتن در مورد روند صلح سوریه را پیگیری می‌کند و این‌ها نه فقط با اهداف منطقه‌ای، بلکه با انگیزه بهبود جایگاه جهانی روسیه انجام می‌شود. هدف دیگر سیاست روسیه این است که روابط منطقه‌ای خود را نه فقط با وزارت امور خارجه آمریکا، بلکه با ارتش ایالات متحده به‌شکل پایدار و روزمره شکل دهد. همچنین کرملین به دنبال آن است که ایالات متحده را در بحران‌های فرامنطقه‌ای به‌عنوان یک شریک در جایگاه برابر- نه رهبر- ببیند (Carnegieendowment, 2016). مداخله‌ی مستقیم نظامی در سوریه در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵، آغاز فصل جدیدی در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه بود. استفاده از نیروی نظامی تغییر کیفی ماهیت مشارکت روسیه در منطقه و نیز تلاشی موفق برای پذیرش ابتکار عمل نظامی و سیاسی به‌شمار می‌رفت. به بیان دیگر، روسیه از سیاستی دفاعی و واکنشی به حالت تهاجمی تغییر وضعیت داد (Rodkiewicz, 2017: 12-18). روسیه با ایالات متحده برای مقابله با نفوذ و حضور در خاورمیانه و نیز فرصت‌هایی که در منطقه وجود دارد رقابت می‌کند، اما به دنبال جایگزینی ایالات متحده نیست. روسیه می‌کوشد با گسترش دامنه رقابت‌ها و همکاری‌های ژئوپلیتیک با آمریکا به خاورمیانه، از تمرکز این کشور بر خارج نزدیک روسیه بکاهد و هم‌زمان

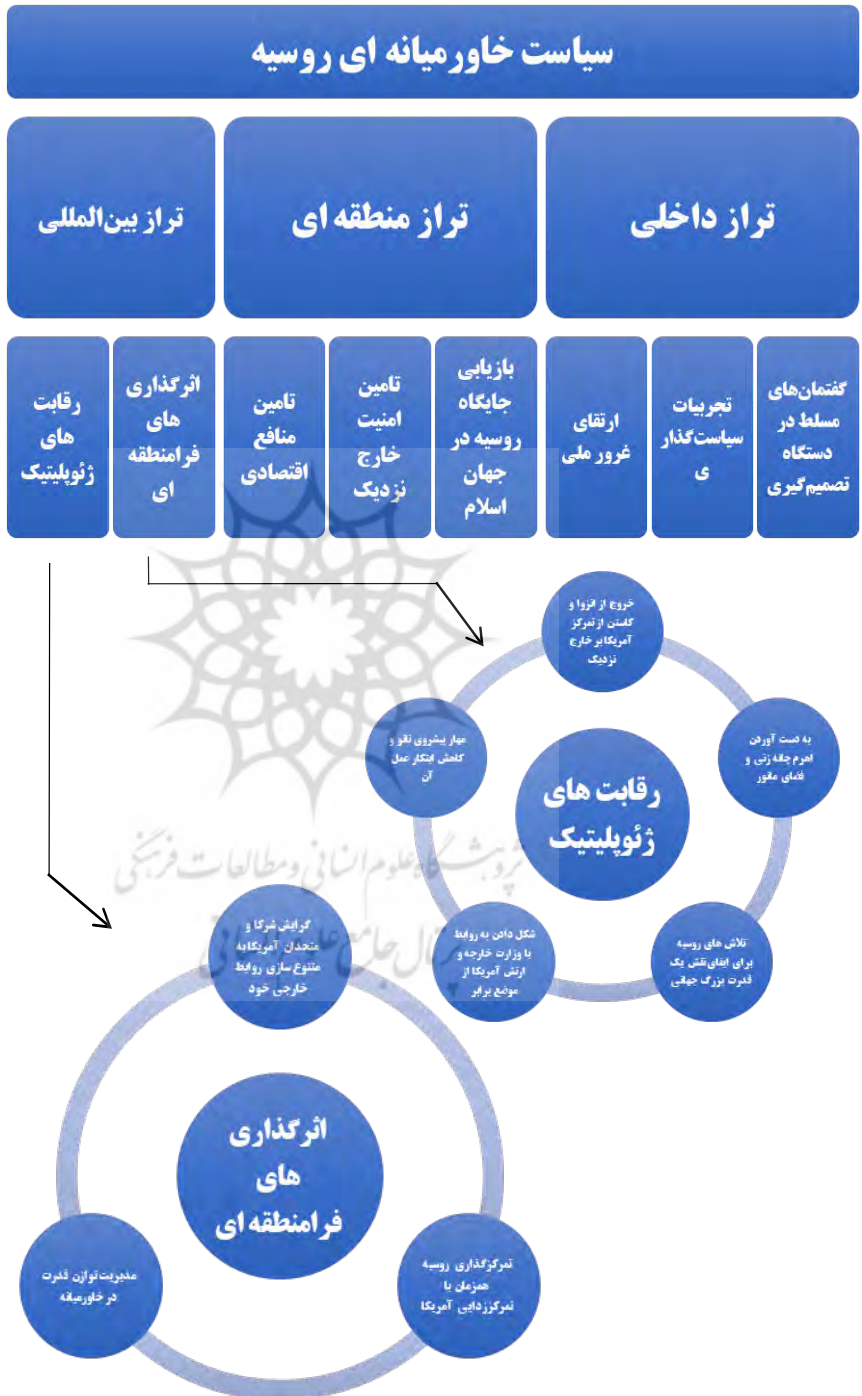
با گسترش تعامل‌های برابر با آمریکا، اهرم‌هایی برای چانه‌زنی و ارتقاء جایگاه بین‌المللی خود به دست آورد.

شکل ۶. هدف‌ها و انگیزه‌های گسترش دامنه رقابت‌های ژئوپلیتیک



در مجموع، شکل صفحه بعد تمام آن چیزی است که به‌عنوان رانه‌های تداوم و تغییر در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه، الگوی رفتاری این کشور را شکل داده و خطوط راهنمای آن را شکل می‌دهد.

شکل ۷. چگونگی شکل‌گیری و ساز و کار تحول در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه



## ۶. دستاوردهای سیاست خاورمیانه‌ای روسیه

از آنجا که سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در نخستین سال‌های پسااستقلال، نتوانست به دستاوردهای قابل توجهی دست یابد، سند مفهوم سیاست خارجی سال ۲۰۰۰ روسیه، نقطه‌ی پایانی بر رویکرد غرب‌گرایی نهاد. در سیاست خارجی جدید روسیه، «عمل‌گرایی» جایگزین رویکرد ایدئولوژیک دوران شوروی و «واقع‌گرایی» جایگزین رؤیاگرایی غرب‌باوران شد. تغییری که در دو جهت رویکردهای پیشین را نفی کرد. بر پایه‌ی این الگوی رفتاری، روسیه جایگاه خود را از راه تعامل با دولت‌ها، توازن بین رقبای منطقه‌ای و چندجانبه‌گرایی به جای یک‌جانبه‌گرایی و مشی ایدئولوژیک به دست آورد. روسیه موفق شد به اهداف خود در خاورمیانه دست یابد. ترکیب واقع‌گرایی - در برابر غرب‌گرایی - از یک سو و عمل‌گرایی - در برابر مشی ایدئولوژیک - از سوی دیگر، سبب شد این کشور به‌عنوان بازیگری مهم با رویکردی سازنده شناخته شود. دومین دستاورد روسیه این است که امروز متحدان و شرکای آمریکا در خاورمیانه، روسیه را نه یک تهدید، بلکه فرصتی برای توان بخشی به روابط خارجی خود می‌بینند. قراردادهای بزرگ تسلیحاتی مانند سامانه‌های اس ۴۰۰ (که واکنش شدید غرب را در پی داشته است)، توافق‌های انرژی (هسته‌ای، نفت و گاز) و قراردادهای اقتصادی، تنها نمونه‌هایی از رویکرد تنوع‌بخش کشورها است. سوم اینکه روسیه توانست در منطقه‌ای بسیار پیچیده که اختلاف‌ها، تنش‌ها و بحران‌های چندجانبه و پیچیده قدرت مانور و ابتکار عمل بازیگران جهانی مانند آمریکا را کاهش داده است، روابط خود را با همه کشورها ارتقا بخشیده و با تمرکز بر چندجانبه‌گرایی برای خود فضای مانور ایجاد کند.

## ۷. چالش‌های سیاست خاورمیانه‌ای روسیه

راهبرد تعادل بین قدرت‌های مختلف در منطقه به‌منظور حفظ روابط مناسب با همه آن‌ها با چالش‌هایی نیز روبه‌رو است. برای نمونه، تعمیق همکاری‌ها با تهران، انتظارهای ایران را برای همکاری نزدیک‌تر با روسیه افزایش می‌دهد، اما تشکیل هرگونه اتحاد با تهران ممکن است گفتگو با دیگر کشورها، از جمله اسرائیل و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج [فارس] را با چالش‌هایی روبه‌رو سازد (Kozhanov, 2017: 122). برای مثال، تصمیم روسیه برای وتو نکردن قطعنامه‌ی ۲۲۱۶ سازمان ملل متحد در یمن که در آوریل ۲۰۱۵ تصویب شد، بر روابط روسیه و ایران فشار آورد.<sup>۱</sup> روسیه موفق شد از واکنش منفی ایران در این مسئله

۱ قطعنامه‌ی ۲۲۱۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای بود که ۱۴ رأی موافق و رأی ممتنع روسیه، در مورد جنگ داخلی یمن تصویب شد. این قطعنامه در چارچوب فصل هفتم منشور سازمان ملل تصویب شد و بدون اشاره



جلوگیری کند، اما این رویکرد همیشه کارساز نخواهد بود. مسکو کوشیده میان روابط با ایران و دشمنان یا رقبای سیاسی آن مانند آمریکا، اسرائیل و کشورهای عربی خلیج فارس در سیاست خارجی خود تعادل برقرار کند؛ زیرا رهبران روسیه بر این باورند که هرگونه اتحاد راهبردی با ایران، روابط روسیه را با این کشورها تخریب خواهد کرد (Mamedova, 2016). چالش بعدی روسیه در خاورمیانه به توان‌مندی‌های اقتصادی، فنی و سیاسی این کشور برمی‌گردد. روسیه ظرفیت کمی برای سرمایه‌گذاری قابل توجه و انتقال تکنولوژی‌های روز دارد. درواقع، ظرفیت فنی و سرمایه‌ای این کشور در بسیاری از حوزه‌ها پایین‌تر از غرب است. به‌علاوه، بخش بزرگ روابط اقتصادی این کشور با اروپا بوده و حجم تجارت روسیه با خاورمیانه در برابر غرب اندک است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## نتيجه‌گيري

پيچيده بودن شرايط در خاورميانه، برای روسيه به اين معنا است که بايد موضعي متوازن بين طرف‌های مختلف داشته باشد. اهميت فزاينده‌ی خاورميانه در سياست خارجي روسيه با اجرائی سياستی متوازن، واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه - که ظرفيت اقدام‌های مختلف و متضاد را داشته باشد - همراه شده و دستاوردهای قابل توجهی برای اين کشور به ارمغان آورده است. در اين پژوهش، ریشه‌ها و عوامل مؤثر بر سياست خاورميانه‌ای روسيه در سه سطح واکاوی و ابعاد آن مشخص شد؛ چنان‌که اکنون می‌توان نتيجه‌گرفت چندمتغيره بودن سياست خاورميانه‌ای روسيه قابليت ايجاد اتحاد با هيچ‌یک از کشورهای خاورميانه را ندارد، اما اين چندمتغيره بودن، مزيتی برای سياست خارجي اين کشور محسوب می‌شود که چشم‌انداز مثبت آن را ترسيم می‌کند. روسيه به‌شکل فزاينده‌ای در حال تقويت نقش منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود است و گسترش حضور اين کشور در خاورميانه را می‌توان در ادامه اقدام‌های پيشين اين کشور در تاجيکستان، گرجستان و اوکراين دانست. دو اولويت بنيادين روسيه در خاورميانه، نخست منافع اقتصادي و دوم نگرانی‌های امنيتی است. دو اهم قوی و مزيت نسبی اين کشور برای نقش‌آفرینی فعال در منطقه هم‌نخست، ظرفيت‌های انرژي (نفت، گاز، هسته‌ای) و دوم، ظرفيت‌های نظامی است. از سوی ديگر، دو مسئله یا چالش بنيادين خاورميانه هم‌نخست، توليد و انتقال انرژي (نفت، گاز، هسته‌ای) و دوم، بحران‌های نظامی-امنيتی است.

در پايان، می‌توان یافته‌ها و پيشنهادهای اين پژوهش را چنين برشمرد:

- تمرکززدایی آمريکا از خاورميانه با تمرکز روسيه بر خاورميانه همراه شده است. خاورميانه نقشی فزاينده در سياست خارجي روسيه يافته که به معنی برنامه جدی روسيه برای نقشی فعال در مسائل مختلف خاورميانه است. اين نقش با پايان يافتن بحران سوریه به پايان نخواهد رسيد و در چارچوب‌های ديگری مانند انتقال تسليحات پيشرفته، استفاده از ظرفيت‌های شورای امنيت، مشارکت اقتصادي به‌ويژه در بخش انرژي (نفوذ بر تصميم‌های اوپک، انتقال گاز و انرژي هسته‌ای) و برنامه‌ريزی برای طرح‌های راهبردی (مانند راهروهای بين‌دولتی) پيگيري خواهد شد.

- سياست خاورميانه‌ای روسيه برآيند دست‌کم ۴ متغير اصلی در سه سطح است که به روابط خارجي اين کشور قدرت مانور داده، اما هيچ چشم‌اندازی از اتحاد و ائتلاف با هيچ‌یک از کشورهای خاورميانه برای آن متصور نيست.

• روسیه به دنبال مدیریت توازن قوا در خاورمیانه است. همکاری گسترده‌ی نظامی با ایران همراه با سکوت این کشور در برابر حمله‌های پی‌درپی اسرائیل به مواضع نیروهای زیر حمایت ایران در سوریه و تشکیل مجموعه‌ای به همراه ترکیه برای حل و فصل بحران سوریه، تنها نمونه‌ای از تلاش برای مدیریت توازن قوا در خاورمیانه است.

تمجید مشاور بین‌الملل رهبر عالی ایران، دکتر ولایتی، از روسیه، هیچ تناسبی با هشدار فلاح‌پیشه، رئیس گروه امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، در مورد بازی روسیه با ایران نداشت. تحلیل اسناد بالادستی مانند سند آیین نظامی، سند سیاست خارجی و سند امنیتی روسیه برای همه مدیران دستگاه‌های فعال در روابط خارجی ایران توصیه می‌شود. همچنین با توجه به حضور فزاینده‌ی روسیه در منطقه و برنامه‌های پرشمار این کشور، قدرت چانه‌زنی ایران با تنوع بخشی به شرکای خارجی، گسترش همکاری‌ها با قدرت‌های اقتصادی و سیاسی، مشارکت در طرح‌های فرامرزی شرقی-غربی و افزایش نقش ایران در سازمان‌های سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای مانند اوپک میسر است. با الگوگیری از سیاست خاورمیانه‌ای روسیه، رویکرد ایران در سیاست خارجی‌اش نیز می‌تواند بر دو پایه سامان یابد. نخست، واقع‌گرایی که از بی‌توجهی به ضرورت‌های ژئوپلیتیکی ایران جلوگیری کند و دوم، عمل‌گرایی و دور کردن مفاهیم ایدئولوژیک از روابط خارجی. این عمل‌گرایی مایه‌ی درک سازوکار نظام بین‌الملل و تأمین منافع ملی در نظامی ارزش‌گریز خواهد شد.

## منابع

### الف) منابع فارسي

- اقتصادنيوز. (۱۳۹۷). توافق عربستان و روسيه در مسير تحرير نفت ايران، قابل دسترسي در <https://www.eghtesadnews.com> تاريخ دسترسي: ۱۳۹۷/۰۴/۰۴
- زرقاني، سيد هادي؛ احمدي، ابراهيم. (۱۳۹۶). شيعه هراسي به مثابه قلمرو سازي گفتماني محور «غربي- عربي» در بحران هاي ژئوپوليتيكي خاورميانه (مطالعه موردی: بحران سوریه)، ژئوپوليتيک، سال سيزدهم، شماره اول، بهار، صص ۳۰-۱.
- حاجي يوسفی، امير محمد؛ ذوالفقاري، عباس. (۱۳۹۶). فرهنگ راهبردي و سياست خارجي خاورميانه/ای روسی، فصلنامه روابط خارجي، سال نهم، شماره دوم، صص ۱۹۲-۱۶۵.
- سجادپور، سيد محمد کاظم. (۱۳۸۷). عنصر بين المللي در روابط ايران و روسيه، در روابط ايران و روسيه، مهدي سنایی و جهانگير کرمي، تهران: ايراس.
- شوري، محمود. (۱۳۸۸). ايران و روسيه: از موازنه قدرت تا مسئله هويت، روابط خارجي، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸، صص ۲۱۹-۲۴۲.
- کاظمي، حجت. (۱۳۹۶). خيزش هاي هويتي، دولت هاي شکننده و بحران هاي ژئوپوليتيكي خاورميانه، ژئوپوليتيک، سال سيزدهم، شماره اول، بهار، صص ۱۴۶-۱۷۲.
- کرمي، جهانگير. (۱۳۸۴). تحولات سياست خارجي روسيه؛ هويت دولت و مسئله غرب، تهران: وزارت امور خارجه.
- کولايي، الهه؛ عابدي، عقيقه. (۱۳۹۷). ايران در ادراک هاي رهبران روسيه، تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهي.
- کولايي، الهه؛ کلبعلي، فرزاد. (۱۳۹۶). الگوي نوگرايي روسي و چالش هاي هويتي، تهران: خرسندي.
- کولايي، الهه. (۱۳۸۴). علل و پيامدهاي توسعه روابط روسيه و اسراييل، تهران: دانشکده حقوق و علوم سياسي.
- کولايي، الهه. (۱۳۹۵). ريشه ها و پيامدهاي دگرگوني سياست خاورميانه اي روسيه، چشم انداز ايران، شماره ۹۸، تير و مرداد ۱۳۹۵.
- کولايي، الهه؛ سلطاني نژاد، محمد. (۱۳۹۳)، مذاکرات هسته اي و منازعه ايران و آمريکا؛ کنکاشي در نظريه بلوغ منازعه، فصلنامه روابط خارجي، سال ششم، شماره چهارم، صص ۵۲۱-۷۹.

ولی‌زاده، اکبر؛ شیرازی موگویی، سیمین؛ عزیززی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). تأثیر بحران سال ۲۰۱۴/ اوکراین بر روابط روسیه و ایالات متحده، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۴۹-۱۷۱.

هانتر، شیرین و دیگران. (۱۳۹۱). *اسلام در روسیه؛ سیاست‌های هویتی و امنیتی*، ترجمه الهه کولایی و دیگران، تهران: نشرنی.

### ب) منابع انگلیسی

Carnegieendowment. (2016). *Russia in Middle East*, Available at: [https://carnegeendowment.org/files/03-2516\\_Trenin\\_Middle\\_East\\_Moscow\\_clean.pdf](https://carnegeendowment.org/files/03-2516_Trenin_Middle_East_Moscow_clean.pdf). Accessed on: 26/06/2018

Cohen, Ariel. (2007). *Putin's Middle East Visit: Russia is Back*, 2007-03-05, Available at: <http://www.heritage.org/europe/report/putins-middle-east-visit-russia-back>. Accessed on 17/04/2017

Countrystudies. (2017). *The Emergence of Russian Foreign Policy*, Available at: <http://countrystudies.us/russia/77.htm>. Accessed on: 26/06/2018

Haas, Marcel. (2011). *Russia's Military Doctrine Development (2000-10)*, pp. 1-61 in **Russian Military Politics and Russia's 2010 Defence Doctrine**, Edited by Stephen J. Blank, Strategic Studies Institute

Jackson, Nicole. (2003). **Russian Foreign Policy and the CIS**, Rutledge, London

Freedman, Robert O. (2010). *Russia and the Middle East under Putin*, **Ortadoğu Etütleri**, Vol. 2, No. 3, pp. 9-55

Koolae, Elaheh; Azizi, Hamidreza. (2016). *Expansion of Russia – Hamas Relations: Sources and Implications*, **Journal of Power, Politics and Governance**, Vol. 3, No. 2, pp. 41-59

:Kozhanov, Nikolay. (2018). *Russian Foreign Policy in the Middle East* Available at: [https://transatlanticre-/?New\\_Challenge\\_for\\_Western\\_Interests\\_Kohzhanov.pdf](https://transatlanticre-/?New_Challenge_for_Western_Interests_Kohzhanov.pdf), Accessed [ch.07/01/2018/lations.org/wpcontent/uploads](https://ch.07/01/2018/lations.org/wpcontent/uploads) (on: 26/06/2018)

Kozhanov, Nikolay. (2017). *Was King Salman's Visit to Moscow a Turning Point Russian- Saudi Relations?*, **Eurasia Daily Monitor**, Vol. 13, No. 134, Oct. 23, Available at: <https://jamestown.org/program/king-salmans-visit-moscow-turning-point-russian-saudi-relations/>, Accessed on: 6/1/2018

Kozhanov, Nikolay. (2015). *Understanding the Revitalization of Russian-Iranian Relations*, **Carnegie Moscow Center**, Available at: [www.carnegieendowment.org/files/cp\\_kozhanov-web-eng.pdf](http://www.carnegieendowment.org/files/cp_kozhanov-web-eng.pdf), Accessed on: 22/05/2016

Kroupenev, Artem. (2008). *Russia's Policy vis-à-vis Iran and Hezbollah*, **International Institute for Counter-Terrorism, Interdisciplinary Center (IDC)**, Herzliya, Mar. 2008, Available at: <https://www.ict.org.il/Article/1026/russias-policy-vis-a-vis-iran-and-hezbollah>, Accessed on: 15/05/2017

Makarychev, Andrey. (2013). *Inside Russia's Foreign Policy Theorizing: A Conceptual Conundrum*, **Debate, Journal of Contemporary Central and Eastern Europe**, Vol. 21, No. 2–3, pp. 237–258, Accessed on: 21/4/2017

Mamedova, Nina. (2016). *Are Russia and Iran Allies*, **Russia Insider**, Available at: [www.russia-insider.com/en/politics/are-russia-and-iran-allies/ri14179](http://www.russia-insider.com/en/politics/are-russia-and-iran-allies/ri14179), Accessed on: 03/05/2016

Mandelbaum, Michael. (1998). **The New Russian Foreign Policy**, America: A Council on Foreign Relations Book

Melville, Andrei; Shakleina, Tatiana. (2005). **Russian Foreign Policy in Transition: Concepts and Realities**, Budapest: Central European University Press

Monaghan, Andrew. (2013). *The New Russian Foreign Policy Concept: Evolving Continuity*, **Chatham House**, Available at: [https://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/.../0413pp\\_monaghan.pdf](https://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/.../0413pp_monaghan.pdf) Accessed on: 26/06/2018.

National Interest. (2017). *Russia's S-400 Is a Game Changer in the Middle East (and America Should Worry)*, Available at: <http://nationalinterest.org/blog/the-buzz/russias-s-400-game-changer-the-middle-east-america-should-22760>, Accessed on: 2018/06/26.

Nikolay, Kozhanov. (2017). *Russian Foreign Policy in the Middle East: New Challenge for Western Interests?*, Available at: [https://transatlanticrelations.org/wpcontent/uploads\\_Kozhanov.pdf](https://transatlanticrelations.org/wpcontent/uploads_Kozhanov.pdf), Accessed on: 26/06/2018

RAND. (2016). *Russian Strategy in the Middle East*, available at: [https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/PE200/PE236/RAND\\_PE236.pdf](https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/PE200/PE236/RAND_PE236.pdf), Access on: 26/06/2018

Rose, Gideon. (1998). *Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy*, **World Politics**, Vol. 51, No. 1, pp. 144-172

Shakleina, Tatiana. (2013). *Russia in the New Distribution of Power*, in: **Emerging Powers in a Comparative Perspective: The Political and Economic Rise of BRIC Countries**, eds. Vidya Nadkarni and Norma C. Noonan (New York: Bloomsbury, 2013), 178, in: Paul, T.V. ed. *Accommodating Rising Powers Past, Present, and Future*, UK: Cambridge University Press

Sladden, James; Bessa Wasser, Ben Connable; Gran, Sarah d-Clement. (2017). *Russian Strategy in the Middle East*, Available at: [https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/PE200/PE236/RAND\\_PE236.pdf](https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/PE200/PE236/RAND_PE236.pdf)

Taliaferro, Jeffrey; Lobell, Steven; Ripsman, Norrin. (2016). **Neoclassical Realism, the State, and Foreign Policy**, Cambridge University Press

The Foreign Policy Concept of the Russian Federation. (2008). Available at: <http://en.kremlin.ru/supplement/4116>, Accessed on: 26/06/2018

The Foreign Policy Concept of the Russian Federation. (2013). Available at: [http://www.mid.ru/en/foreign\\_policy/official\\_documents/-/asset\\_publisher/CptlCk6BZ29/content/id/122186](http://www.mid.ru/en/foreign_policy/official_documents/-/asset_publisher/CptlCk6BZ29/content/id/122186), Accessed on: 26/06/2018

the Foreign Policy Concept of the Russian Federation. (2016). Available at: [http://www.mid.ru/en/foreign\\_policy/official\\_documents/-/asset\\_publisher/CptlCk6BZ29/content/id/2542248](http://www.mid.ru/en/foreign_policy/official_documents/-/asset_publisher/CptlCk6BZ29/content/id/2542248), Accessed on: 26/06/2018

the Guardian. (2018). *Vladimir Putin Secures Record Win in Russian Presidential Election*, Available at: <https://www.theguardian.com/world/2018/mar/19/vladimir-putin-secures-record-win-in-russian-presidential-election>, Accessed on: 26/06/2018

The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation. (2016). *Foreign Policy Concept of the Russian Federation 2016*, Available at: [http://www.mid.ru/en/foreign\\_policy/official\\_documents/-/asset\\_publisher/CptlCk6BZ29/content/id/2542248](http://www.mid.ru/en/foreign_policy/official_documents/-/asset_publisher/CptlCk6BZ29/content/id/2542248), Accessed on: 26/06/2018

Tsygankov, Andrei. (2013). **Russia's Foreign Policy: Change and Continuity in National Identity**, Rowmananf Littlefield Publishers, Lanham, Maryland



ج) منابع روسی

Комлева Н. А. (2016). Иран: геополитический портрет, Электронное научное издание Альманах Пространство и Время, т.13, вып.1.

Тоцкая, Е. П. (2014). Роль Исламской Республики Иран в региональных политических процессах”, Вестник Нижегородского университета им, Н.И. Лобачевского, №1 (2), с. 365-369.

Феязи, А. Н. (2010). Российско-Иранские Отношения: Основные Тенденции Развития, Мировая Экономика и Международные Экономические Отношения, № 8 (69), pp. 265-268.

